نام و نام خانوادگی: نام پدر: پایه تحصیلی: هفتم شماره کلاس: درس: نگارش	جمهوری اسلامی ایران اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲ ساری مرکز فرزانگان امتوسطه اول	آزمون نوبت اول تاریخ آزمون: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲ مدت آزمون: ۷۰ دقیقه ساعت برگزاری: ۸:۳۰ صبح تعداد صفحات: ۲ صفحه	سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور

نمره با عدد:	نمره با حروف:	نام و نام خانوادگی دبیر:	امضا:

ردیف	دانش آموز گرامی، به دلخواه فقط یک موضوع از موضوعات داده شده را برای تولید متن و خلق نوشتهٔ خود انتخاب کنید و با رعایت سنجه های ارزشیابی موجود در جدول، انشای خود را حداقل در ۱۲ خط بنویسید.	بارم

موضوع	سنجه های ارزشیابی	نمره
الف) ساختار	۱.ساختار بیرونی (داشتن بخش آغازین، میانی و پایانی)	۲
	۲.ساختار زبانی (زبان نوشته ساده، جمله ها کوتاه)	۲
ب) محتوا	۱-خوش آغازی (جذابیت و گیرایی، نشان دادن نمایی کلی از محتوای نوشته)	۲
	۲-پرورش موضوع	۳
	*شیوه بیان نوشته (بیان ساده و صمیمی، بیان احساس متناسب با موضوع)	۳
	*سیر منطقی نوشته (پرداختن به جنبه های مختلف موضوع، انسجام نوشته)	۳
	*فکر و نگاه نو (نگاه به موضوع، از زاویه ای متفاوت)	۲
	۳-خوش فرجامی (جمع بندی مطالب، تأثیرگذاری و تفکر برانگیز بودن)	
د) هنجارهای نگارشی	۱- نشانه های نگارشی (نشانه گذاری به تناسب آموخته ها و نیازهای متن)	۱
	۲-املای واژگان (نداشتن غلط املایی)	۱
	۳-پاکیزه نویسی (حاشیه گذاری و حُسن سلیقه)	۱

ردیف	عنوان موضوع
۱	توصیف یک روز زیبای پاییزی (به روش توصیف جزئیات)
۲	گفش (به روش طبقه بندی موضوع)
۳	حکایت زیر را بازنویسی کنید. ((پادشاهی بود که از یک چشم و یک پا محروم بود. روزی وی به تمام نقاشان قلمرو خود دستور داد تا یک تابلو نقاشی از او بکشند. ولی هیچ کدام نتوانستند تابلوی زیبایی بکشند؛ آنان چگونه با وجود نقص در یک چشم و یک پای پادشاه می توانستند، نقاشی زیبایی از وی بکشند؟! عاقبت یکی از نقاشان گفت که توانایی انجام این کار را دارد و یک تصویر از پادشاه نقاشی کرد. نقاشی وی فوق العاده بود و همگی را غافلگیر کرد. او پادشاه را به شکلی نقاشی کرد که یک شکار را مورد هدف قرار داده بود؛ نشانه گیری با یک چشم بسته و یک پای خم شده.))

www-Kamoon-ir
Scanned with CamScanner

موضوع: توصیف یک روز پاییزی:

پاییز با رنگ های گرم و دلنشین، فصلی است که هر گوشه از آن، طبیعت را به تابلوی زیبا تبدیل می کند.
نسیم خنکی از لابه لای درختان رنگارنگ می گذشت، بوی نم خاک و برگ های خیس را به مشام می رساند. ابر های ماشته های پنبه، در آسمان آبی پراکنده بودند و گاه گاهی سایه ای کوتاه بر زمین می انداختند.
در خیابان پارک، با برگ های زرد نارنجی و قرمز، ماشته تابلوی نقاشی شده بودند. صدای خش خش برگ های خشک زیر پای عابران، سمفونی پاییزی را می نواخت.
خورشید کم کم بالاتر می آمد و نور گرمش، رنگ های پاییزی را درخشان تر می کرد. سایه ها بلند تر می شدند و بازی نور و سایه، منظره ای تماشایی ایجاد می کرد.
بوی دود ملایم از دودکش خانه ها، حس گرم و دلنشینی را به فضا می بخشید.
عصر هنگام، آسمان ماشتین بوم نقاشی، با رنگ های گرم و سرد، تزیین شده بود. نسیم خنک، آرام آرام وزیدن گرفت و برگ های خشکیده را با خود به رقص در آورد. کودکان با ذوق و شوق، در میان برگ ها بازی می کردند، صدای خنده هاشان در هوای خنک پاییزی، طنین انداز بود.
روز پاییزی با تمام زیبایی هایش، به پایان رسید و من با تمام وجود برای این فصل رنگارنگ و زیبا، برای برگ های طلایی و نارنجی که زمین را فرش کرده اند سپاسگزارم.